

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# فصلنامه مطالعات فلسفی و فکر اسلامی

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده اسلام تمدنی)

مدیر مسئول: دکتر سید علیرضا واسعی

سر دبیر: دکتر سید حسین سیدی

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: هوشنگ استادی  
ویراستار: هوشنگ استادی

کارشناس بخش انگلیسی: دکتر سید محمدجواد سیدی

صفحه آرایی: سید حجت جعفری

طراحی جلد: کمیل بیگ

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب - ۳۶۶۶۱۱۱۴ - ۰۲۵

«این نشریه حاصل فعالیت مشترک پژوهشکده اسلام تمدنی و انجمن علمی نقد ادب عربی ایران است.»

نشانی فصلنامه:

مشهد مقدّس، چهارراه خسروی، خیابان شهید رجایی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، پژوهشکده اسلام تمدنی

کد پستی: ۹۱۳۴۶۸۳۱۸۷ - تلفکس: ۰۵۱-۳۲۲۱۸۱۰۳

رایانامه: [jrla@isca.ac.ir](mailto:jrla@isca.ac.ir)

نشانی سامانه: <http://jrla.isca.ac.ir>

## اعضای هیئت تحریریه

- ۱- دکتر سید حسن سیدی  
(استاد دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیئت علمی پاره‌وقت پژوهشکده اسلام تمدنی)
- ۲- دکتر علی‌باقر طاهری‌نیا  
(استاد دانشگاه تهران)
- ۳- دکتر ابوالحسن امین مقدسی  
(دانشیار دانشگاه تهران)
- ۴- دکتر رقیه رستم‌پور ملکی  
(دانشیار دانشگاه الزهراء)
- ۵- دکتر سید علیرضا واسعی  
(دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشکده اسلام تمدنی)
- ۶- دکتر حجت رسولی  
(دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
- ۷- دکتر غلام‌رضا پیروز  
(دانشیار دانشگاه مازندران)
- ۸- دکتر جهانگیر مسعودی  
(دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیئت علمی پاره‌وقت پژوهشکده اسلام تمدنی)

## ارزیابان و مشاوران علمی این شماره

- ۱- دکتر عباس اقبالی، دانشیار دانشگاه کاشان
- ۲- دکتر حیدر شیرازی، دانشیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۳- دکتر تورج زینی‌وند، دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه
- ۴- دکتر مهین حاجی‌زاده، دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
- ۵- دکتر اعظم پرچم، دانشیار دانشگاه اصفهان
- ۶- دکتر رسول بلاوی، استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۷- دکتر وحیده مطهری، استادیار دانشگاه الزهراء تهران
- ۸- دکتر شیرین سالم، استادیار دانشگاه فرهنگیان مشهد
- ۹- دکتر صدیقه زودرنج، استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان
- ۱۰- دکتر معصومه نعمتی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۱- دکتر ابراهیم فلاح، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
- ۱۲- دکتر سید اسماعیل حسینی اجداد، استادیار دانشگاه گیلان

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش و تنظیم و ارسال مقالات

### الف- ضوابط کلی و محتوایی:

- ۱- مقاله ارسالی جهت چاپ در فصلنامه باید دارای محتوای علمی - پژوهشی باشد.
- تبصره ۱: ترجمه مقاله اگر همراه با نقد جامع علمی باشد می‌تواند در نشریه علمی-پژوهشی درج شود.
- ۲- لازم است نویسنده یا نویسندگان مشخصات دقیق خود را شامل: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مؤسسه متبوع، شماره تلفن تماس، نشانی دقیق پست الکترونیکی e-mail در صفحه‌ای جداگانه ارسال کنند (در صورت ارسال از طریق سامانه فصلنامه، نیازی به آن نیست).
- ۳- در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، نویسنده مسئول مشخص گردد.
- تبصره ۲: چنانچه نویسنده مسئول مشخص نشده باشد، ارائه مقاله و تمام مکاتبات و مسؤولیت مقاله با نویسنده اول است.
- ۴- مقاله قبلاً منتشر نشده و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد. ضمناً مقاله‌های ارسالی، نباید هم‌زمان به فصلنامه‌های دیگر ارائه شوند.
- ۵- چنانچه مقاله‌ای برگرفته از پایان‌نامه یا طرحی تحقیقاتی باشد، یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- ۶- مسؤولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ علمی و حقوقی به عهده نویسنده است.
- ۷- حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقاله‌ها برای مجله محفوظ است.
- ۸- تأیید نهایی مقاله برای چاپ در فصلنامه، پس از نظر داوران با هیأت تحریریه فصلنامه است.

### ب- ضوابط ساختاری و نگارشی:

- ۹- حجم مقاله حداکثر ۲۶ صفحه، و هر صفحه ۲۵۰ کلمه، دارای حداکثر ۲۴ خط باشد.
- ۱۰- مقاله بر یک روی کاغذ A4 با نرم‌افزار Word و قلم B Compset فونت ۱۲ حرفچینی شود. با حاشیه بالا و پایین ۵، چپ و راست ۴/۵ و میان ستور ۱ سانتی‌متر، و چکیده، پانویس و منابع با همان قلم و اندازه ۱۱ باشد. قلم انگلیسی Times New Roman با یک فونت کم‌تر از قلم فارسی و قلم عربی B Badr با یک فونت بیش‌تر تایپ شود.
- ۱۱- هر مقاله باید دارای بخش‌های زیر باشد:
  - ۱-۱۱. عنوان مقاله؛ ناظر بر موضوع پژوهش و کوتاه و رسا باشد.
  - ۲-۱۱. چکیده: حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی که در بردارنده شرح مختصر و جامع محتویات نوشتار؛ شامل بیان مسأله؛ هدف؛ ماهیت پژوهش و نتیجه باشد.
  - ۳-۱۱. کلید واژه؛ هر مقاله باید دارای حداکثر ۴ و حداکثر ۷ کلیدواژه باشد.
  - ۴-۱۱. مقدمه؛ به تبیین موضوع مقاله، ارتباط آن با پژوهش‌های قبلی و جهات نوآوری آن در

راستای حل مشکلات موجود می‌پردازد.

۱۱-۵: متن اصلی: بخش اصلی مقاله است که باید پاراگراف‌بندی شده و هر پاراگراف دارای موضوعی خاص باشد.

۱۲- نتیجه؛ حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه و دربردارنده جمع‌بندی و خلاصه مهم‌ترین مسایل مطرح شده در مقاله است.

۱۳- منابع: منابع مقاله، به ترتیب حروف الفبا مرتب شده (ابتدا منابع فارسی و عربی، سپس انگلیسی) و در انتهای مقاله آورده شوند. لازم است تمام مراجع در متن مقاله مورد ارجاع واقع شده باشند.

### ج- ارجاعات:

۱۴- ارجاعات درون‌متنی؛ منابعی که در متن اصلی مقاله مورد ارجاع قرار می‌گیرد:

۱۴-۱: در صورت نقل قول مستقیم از منبعی، ابتدا و انتهای مطلب باید میان دو گیومه قرار گیرد. در نقل به مضمون نیازی به گیومه نیست.

۱۴-۲: ارجاعات داخل متن شامل نام خانوادگی نویسنده؛ سال نشر؛ شماره جلد و صفحه (مثال: ۳۵/۱)

۱۴-۳: در صورت ارجاع به چند اثر از یک مؤلف سال انتشار نیز پس از نام مؤلف ذکر شود.

۱۴-۴: چنانچه نویسنده‌ای دارای دو یا چند اثر چاپ شده در یک سال باشد به صورت (نام مؤلف، سال انتشار حروف الفبا: ا-ب-ج و....، جلد/صفحه) ارجاع داده می‌شود: طوسی، ۱۳۵۹، ب، ۴۵۲ و طوسی، ۱۳۵۹، ج، ۱۲۵.

**تبصره ۳:** در صورتی که اثری دارای بیش از سه نویسنده باشد، پس از نام نخستین نویسنده، عبارت «دیگران» برای آثار فارسی و عبارت «et al.» یا «and others» برای آثار انگلیسی قرار می‌گیرد.

۱۴-۵: دو یا چند استناد درون‌متنی در کنار یکدیگر در یک جفت پرانتز، با علامت نقطه ویرگول از هم جدا می‌شوند.

۱۴-۶: ارجاعات توضیحی، مانند صورت لاتین کلمات در پانوشت و شرح اصطلاحات و مانند آن در پانوشت آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مثل متن مقاله روش درون متنی خواهد بود).

۱۴-۷: در مواردی که بلافاصله یا با فاصله از ذکر منبع اصلی - اگر ذکر منبعی دیگر موجب ابهام یا عدم شناسایی منبع مورد ارجاع نگردد - به همان منبع ارجاع داده شود و از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد، با همان شرط یادشده، از واژه همان استفاده شود.

۱۴-۸- در ارجاعات آیات درون مقاله این گونه عمل می‌شود: اصل آیه، شماره سوره و آیه:  
(۶۵/۱)، ترجمه فارسی آیه.

۱۵- شیوه ارجاع منابع پایان مقاله

۱۵-۱: کتاب‌ها: نام خانوادگی/شهرت، نام؛ (سال انتشار)، عنوان کامل اثر به صورت ایرانیک یا ایتالیک (عنوان اصلی با دو نقطه از عنوان فرعی جدا شود)، مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی، ویرایش (در صورتی که نخستین ویرایش نباشد)، نوبت چاپ، جلد، محل انتشار: ناشر.  
تبصره ۴: در آثاری با بیش از دو نویسنده تنها نام نویسنده اول معکوس می‌شود و نام نویسندگان دوم به بعد به صورت طبیعی پس از یک ویرگول و حرف ربط «و» پیش از نام نویسنده آخر می‌آید.

تبصره ۵: در صورت عدم وجود تاریخ نشر، از لفظ «بی‌تا» و در صورت عدم وجود محل نشر از لفظ «بی‌جا» و در صورت عدم وجود ناشر، از لفظ «بی‌نا» استفاده شود.

۱۵-۲: مقالات: نام خانوادگی/ شهرت، نام، (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله درون گیومه، نام مجله به صورت ایرانیک یا ایتالیک، محل نشر، دوره، شماره، ماه/ فصل انتشار، شماره صفحات مربوط به مقاله.

تبصره ۶: برای ذکر صفحات متوالی از صص استفاده می‌شود؛ مانند صص ۲۵-۲۸ و برای صفحات متناوب از ص؛ مانند ۴۳ و ۴۷ و ۵۰)

۱۵-۳: پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان پایان‌نامه به صورت ایرانیک یا ایتالیک، نام دانشگاه، سایت اینترنتی که پایان‌نامه مذکور در آن در دسترس می‌باشد.

۱۵-۴: سایت اینترنتی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار و یا روز آمدن شدن)، عنوان مطلب درون گیومه، آدرس سایت به صورت کامل.

۱۵-۵: پایان‌نامه و سایت اینترنتی جداگانه ذکر نمی‌گردد؛ بلکه در ترتیب الفبایی فهرست منابع و مآخذ آورده می‌شود.

۱۵-۶: همه متون عربی اعم از آیات قرآن، نهج البلاغه، احادیث و جز آن‌ها باید به طور کامل و درست اعراب‌گذاری شود.

# فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی

سال دوم، شماره چهارم، پیاپی ۸، زمستان ۱۳۹۶

## فهرست مطالب

- |  |     |
|--|-----|
| • بررسی و تحلیل «باهم آبی» واژگانی سوره‌های حج و مؤمنون<br>دکتر حسین خاکپور، دکتر ولی‌الله حسومی، فاطمه کیخا   | ۹   |
| • بررسی واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه قرآن بر اساس بافت<br>مطالعه موردی: واژگان أَلْحَرْفُ، السَّمَاءُ، شَعَائِرُ در سوره حج<br>دکتر احمد امید علی، فاطمه خلیلی | ۳۹  |
| • بررسی تصویرهای هنری در شعر عاشورایی شریف رضی<br>مطالعه مورد پژوهانه: قصیده کربلا<br>دکتر زهراء فرید، دکتر ریحانه ملازاده   | ۶۱  |
| • بررسی بلاغی التفات معرفه و نکره در کلمات مشابه و متضاد قرآن کریم<br>دکتر مجتبی عمران‌پور، مهران غلامعلی‌زاده   | ۸۹  |
| • جایگاه و کارکرد اشعار و امثال عربی در تفسیر مجمع البیان طبرسی<br>دکتر سید مرتضی حسینی  | ۱۰۷ |
| • بازخوانی قصیده «تائیه» دعبل از رهگذر واکاوی اندیشه، ساختار موسیقایی، تعبیر و<br>تصاویر هنری<br>دکتر محمد جنتی‌فر، سوده مرادیان                                     | ۱۴۳ |
| • کارکرد تفاوت واژگان قرآنی در ساختارها و سبک‌های همانند<br>مطالعه موردی: بررسی دیدگاه‌های دکتر محمد داود محمد<br>دکتر حسن علی شربتدار                               | ۱۷۳ |



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## بررسی و تحلیل «باهم آیی» واژگانی سوره‌های حجّ و مؤمنون

دکتر حسین خاکپور<sup>۱</sup>

دکتر ولی‌الله حسومی<sup>۲</sup>

فاطمه کیخا<sup>۳</sup>

### چکیده

«باهم آیی» وقوع دو یا چند کلمه با فاصله‌ای کوتاه درون یک پیکره زبانی است که انتخاب هر واژه بر روی انتخاب سایر واژگان و وقوع آن‌ها اثر می‌گذارد. هدف مقاله حاضر بررسی باهم آیی واژگانی در دو سوره‌های حجّ و مؤمنون می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی پس از معرفی ۱۹ رابطه باهم آیی به استخراج بررسی و تحلیل واژگان باهم آیند در سوره‌های مدّ نظر پرداخته است که ۱۷ رابطه باهم آیی از میان ۱۹ رابطه در سوره‌های حجّ و مؤمنون یافت شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۱۸۶ باهم آیند در سوره حجّ و ۹۰ باهم آیند در سوره مؤمنون بر اساس روابط معنایی مذکور طبقه بندی شدند که در مجموع ۲۷۶ رابطه از میان ۷۸ آیه سوره حجّ و ۱۱۸ آیه سوره مؤمنون می‌باشد. در این پژوهش تعداد وقوع برخی از کلمات باهم آیند قرآن به صورت اتّفاقی از بین کلمات باهم آیند انتخاب و در کلّ مصحف شریف شمارش شدند تا نشان داده شود کلمات باهم آیند وقوع بالایی باهم دارند. در این میان رابطه اسنادی بیش‌ترین وقوع را در سوره حجّ و رابطه جنسی در سوره مؤمنون داشت و کلمات باهم آیند استخراج شده از نظر داشتن فاصله و یا نداشتن فاصله نیز مورد بررسی قرار گرفتند و نتیجه به دست آمده نشان داد، اکثر صورت‌های باهم آیند در سوره حجّ بی فاصله و در سوره مؤمنون، بافاصله می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** باهم آیی، حجّ، مؤمنون.

۱- دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان [dr.khakpour@theo.osb.ac.ir](mailto:dr.khakpour@theo.osb.ac.ir)

۲- استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان [dr.hasoomi@theo.osb.ac.ir](mailto:dr.hasoomi@theo.osb.ac.ir)

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان [keykha.fateme313@gmail.com](mailto:keykha.fateme313@gmail.com)

## مقدمه

باهم آیی هر متن حاصل به هم پیوستن مجموعه ای از جملات است که رابطه میان این جملات و واژگان، تصادفی نیست؛ بلکه همه عناصر و اجزای جملات به نوعی با سایر عناصر و اجزا ارتباط دارند و مجموعه آن‌ها کلیت منسجم و هماهنگی را به وجود می‌آورند که براساس اصول و قواعد عینی به هم پیوسته هستند. باهم آیی از عوامل انسجام متنی می‌باشد که به دو دسته واژگانی و دستوری تقسیم می‌شود که باهم آیی دستوری یک زبان، نظامی از قواعدی در نظر گرفته می‌شود که چگونگی ترکیب واژه‌ها را در شکل‌گیری گروه‌ها، چگونگی ترکیب گروه‌ها را در شکل‌گیری بندها، و چگونگی ترکیب بندها را در شکل‌گیری جمله‌ها تعیین می‌کنند، در واقع ترتیب از جزء به کل می‌باشد اما باهم آیی واژگانی به صورت‌های واژگانی پر و خالی تقسیم می‌شوند، واژگانی پر، همان صورت‌های اجزای اصلی کلام هستند، از قبیل اسم‌ها، فعل‌ها و صفت‌ها. در مقابل، صورت‌های واژگانی خالی به طبقاتی متنوع و کوچک‌تر تعلق دارند که بر حسب سنت، بر پایه نقش نحوی ایشان معرفی می‌شوند و نه به لحاظ معنایی. علت انتخاب سوره‌های حج و مؤمنون این است که باهم آیی واژگان را به صورت تطبیقی در یک سوره مکی و یک سوره مدنی بررسی کنیم.

### ۱- پرسش‌های پژوهش

- ۱- کدام باهم آیی در سوره‌های مشخص شده بسامدی کم‌تر دارد؟
- ۲- آیا باهم آیی در سوره مکی بیش‌تر است یا مدنی؟
- ۳- آیا باهم آیی از عوامل انسجام متن است؟

### ۲- فرضیه پژوهش

فرض بر این است که باهم آیی از عوامل انسجام متن باشد.

### ۳- پیشینه پژوهش

درباره موضوع باهم آیی کتب و مقالاتی به شرح ذیل ارایه شده است:  
از دهه ۱۹۵۰ به بعد، تلاش‌های بسیاری برای تعریف و دسته‌بندی انواع باهم آیی صورت پذیرفته است. فرث (۱۹۵۶) عقیده داشت واژگان با کلمات همراه خود مرتبط هستند. اصطلاح باهم آیی را نخستین بار وی مطرح کرد (Firth, 1967: 90) یول باهم آیی را بخشی از دانش واژگانی انسان‌ها

می داند (Yule, 2006: 108) کروس باهم آبی ها را توالی واژه هایی می داند که طبق عادت باهم به کار می روند (Cruse, 1986: 40) فرامکین و دیگران باهم آبی را وقوع دو یا چند کلمه با فاصله ای کوتاه درون یک پیکره زبانی دانسته اند (Fromkin & Rodman & Hyams, 2002: 413) هالیدی باهم آبی را وقوع دو یا چند واژه می داند که در برخی ویژگی های متداعی مانند نقش انسجامی باهم مشترک هستند. (Haliday & Hasan, 1978 & Sinclair, 1995) و یا وقوع همزمان عناصری که از نظر آماری بسامدی زیاد دارند (سونگ، ۲۰۰۳، ۱۷) "توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی" (محمدرضا باطنی، ۱۳۴۸) باهم آبی را برای نخستین بار در زبان باطنی شناساند. "طرح فرهنگی بافتی افعال فارسی" (میر محمد حسین رسام، ۱۳۷۵) رابطه باهم آبی را از ویژگی های مهم زبان می داند به گونه ای که واژه در متن به کمک همنشینی با واژه دیگر معنی پیدا می کند. "محدودیت باهم آبی واژگان" (زهرا شهریاری، ۱۳۷۸) وی نیز محدودیت باهم آبی واژگانی را در ترجمه بررسی کرده است. "نگاهی به مسأله باهم آبی واژگان" (آزیتا افراشی، ۱۳۷۸) باهم آبی را رابطه ای ساختی میان واژه ها تعریف می کند که در نتیجه آمیزه ای از صرف و معنی روی می دهد. "فرایند باهم آبی و ترکیبات باهم آیند در زبان فارسی" (ثریا پناهی، ۱۳۸۱) در پژوهش خود به توصیف مفهوم باهم آبی در زبان فارسی با توجه به نقش ترکیبات باهم آیند در مسایل کاربردی این زبان پرداخته است. "تقسیم بندی جدید انواع باهم آبی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی های فرامتنی در شکل گیری انواع باهم آبی" (شاهلا شریفی و مجتبی نامور، ۱۳۹۲) تقسیم بندی متفاوتی از باهم آبی براساس ویژگی های فرامتنی ارائه کرده اند یکی از مهم ترین ابزار انسجام متن در سطح واژگانی، پدیده باهم آبی است. (Lyns, 1391: 94، برکاوی، ۱۹۹۱: ۷۱) گاهی ارتباط بین دو واژه به اندازه ای قوی است که به محض شنیدن یک واژه، واژه دیگر در ذهن تداعی می شود و انتظار می رود همراه آن به کار رود، این ارتباط نیرومند، نقشی به سزا در انسجام و پیوستگی متن دارد. (سیدی، ۱۳۹۱: ۱۴، میرزایی حسینی، ۱۳۹۵: ۷۵) باهم آبی با واژه شناسی و معناشناسی ارتباط ناگسستگی دارد. (سیدی، ۱۳۹۱: ۱۴) باهم آبی به طور کلی دو نوع است. باهم آبی همنشینی و متداعی، این گونه باهم آبی را در زبان های دیگر نیز می توان یافت. (کیاست، ۱۳۸۸: ۱۳)

در مورد باهم آبی واژگان سوره های قرآن کارهایی سامان پذیرفته است، به عنوان نمونه: سیدی (۱۳۹۱) و اخلاقی (۱۳۹۰) آن را در سوره بقره از جهات گوناگون بررسی نموده اند و

میرزایی (۱۳۹۵). با هم آبی را به مثابه عامل انسجام متن در سوره نوح ارزیابی نموده است، اما پژوهش حاضر آن را به صورت تطبیقی در دو سوره "حجّ و مؤمنون" تحلیل نموده است. مواردی که در ادامه ذکر می شود از مهم ترین روابط مفهومی موجود در سطح واژگانی است که مورد بررسی قرار می گیرد:

#### ۴- مبانی نظری پژوهش

بعد از بیان پیشینه «باهم آبی» به بررسی روابط مفهومی کلمات باهم آیند می پردازیم:

##### ۴-۱: روابط مفهومی کلمات باهم آیند

روابط مفهومی کلمات باهم آیند، که از عوامل انسجام متن است به چند دسته تقسیم می شود:

۴-۱-۱: **جزء واژگی:** از روابط مفهومی میان اقلام واژگانی است که رابطه کلّ به جزء را میان دو مفهوم نشان می دهد، مانند: «السّاعة، آتیة» (حجّ/۷) (قیامت، آینده) در واقع قیامت در آینده اتفاق می افتد، حال یا آینده نزدیک است یا بعد از مدتی طولانی رخ می دهد و آینده بودن قیامت جزء ویژگی های آن است.

۴-۱-۲: **عضو واژگی:** عضو واژگی یکی دیگر از انواع روابط مفهومی است که رابطه میان واژه ای را به مثابه یک عضو نسبت به واژه ای دیگر نشان می دهد که به مجموعه آن اعضا دلالت دارد. مانند: «سماوات، شمس، نجوم، قمر» (حجّ/۱۸) آسمان ها، خورشید، ستارگان، ماه که در واقع خورشید و ستارگان و ماه در آسمان قرار می گیرند و عضوی از آسمان می باشند.

۴-۱-۳: **تقابل معنایی:** تقابل معنایی، میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی پدید می آید (قزوینی، ۱۳۹۲: ۱۷) که در واقع همان تناقض است که بر مبنای استلزام و نقض امکان تعریف می یابد. (Lyns, ibid: 191) گاهی ارتباط قوی بین دو کلمه متضاد سبب با هم به کار گرفتن آن ها می شود، مانند دو کلمه بالا و پایین. (میرزایی حسینی، ۱۳۹۵: ۷۶، مسبوق، ۱۳۹۵: ۱۶۰) این تقابل شامل موارد ذیل می شود:

۴-۱-۳-۱: **تقابل مکمل:** نفی یکی از واژه های متقابل اثبات واژه دیگر است. دو واژه قرمز و آبی را می توان به این شکل در تناقض با یکدیگر معرفی کرد که بگوییم که این نوع از تناقض را تناقض مکمل می نامند. (Lyns, ibid: 191-192)، کمیسون، ۱۹۷۷: ۸۴، پهلوان نژاد و سزاوار،

۱۳۸۷: ۱۱۳) نمونه قرآنی آن: «نَمُوتُ وَ نَحْيَا» (مؤمنون/۳۷) «می میریم و زنده می شویم» در واقع یک موجود نمی تواند هم زنده باشد و هم از دنیا برود در واقع وجود چیزی در همان زمان نبود آن چیز را نمی کند.

۴-۱-۳-۲: **تقابل رابطه ای:** جفت هایی وجود دارند که در هیچ کدام از دو دسته با درجه و بی درجه قرار نمی گیرند. برای نمونه، موجر - مستأجر. این نوع تقابل به نام هایی مختلف مشهور است: تقابل عکس، تقابل رابطه ای و تضاد بازگشتی. (پهلوان نژاد و سزاوار، همان: ۱۱۵) (سیدی، ۱۳۹۱: ۱۶) الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ (حج/۷۳) پیگیر، خواسته شده، در واقع تقابل رابطه ای است که شخصی درخواست می کند و طرف مقابل خواسته شخص را برآورده می کند.

۴-۱-۳-۳: **تقابل مدرج:** تضاد در مفهوم خاص خود، - یعنی تضاد قطبی - بر حسب ویژگی مدرج بودن، با تناقض مکمل فرق دارد. در چنین شرایطی بحث درباره نفی یکی و اثبات دیگری منتفی است. برای نمونه دو واژه «طفل، أَشْدُّكُمْ» (حج/۵) کودک و جوانی نسبت به هم در تضاد قطبی قرار دارند. (Lyns, ibid: 192) در واقع شخصی که کودک است جوان نیست و بالعکس؛ در این مورد اثبات موردی، رد مورد دیگر است.

۴-۱-۳-۴: **تقابل دوسویه:** تقابل دوسویه را می توان چیزی شبیه به افعال معلوم و مجهول، مثلاً کشتن، کشته شدن یا شبیه به جفت واژه هایی نظیر «زن و شوهر» دانست، البته افعالی نظیر «خریدن و فروختن» را نیز می توان معکوس های سه موضعی به حساب آورد، که همان تقابل دوسویه است. (Lyns, ibid: 193، سیدی، ۱۳۹۱: ۱۶) «خیر، فتنه» (حج/۱۱) (خوبی، بدی) در واقع خوبی و بدی نیز از نوع این تقابل می تواند باشد.

۴-۱-۳-۵: **تقابل جهتی:** به تقابل هایی اشاره دارد که حرکت یا تغییری را در جهت مخالف می رسانند. برای نمونه بالا رفتن - پایین آمدن. (پهلوان نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۵، سیدی، ۱۳۹۱: ۱۶) لیل و نهار، نمونه بارز این نوع تقابل ها است. در واقع شب و روز از پی هم می آیند و می روند و جزء این نوع تقابل قرار می گیرد.

۴-۱-۳-۶: **تقابل ضمنی:** زمانی است که دو واژه در معنای ضمنی خود در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. و در اصل فرایند درک معنی ضمنی است. (Lyns, ibid: 390) برای نمونه دو واژه «طِفْل، أَشْدُّكُمْ» (حج/۵) که أَشْدُّكُمْ رشد عقلی و جسمی است؛ اما منظور جوانی است. در واقع در

معنای اصلی این دو واژه تقابلی وجود ندارد ولی به طور ضمنی و برحسب جایگاه در آیه دارای تقابل ضمنی شده است.

۴-۳-۷: **تقابل واژگانی:** که به کمک واژه های منفی ساز به وجود می آیند. «يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ» (مؤمنون/۸۸) که «لا یجار» به علت حرف «لا» در تقابل با «یجیر» قرار گرفته است.

۴-۲: **تکرار:** تکرار به معنای به کارگیری متعدّد برخی از عناصر جمله و متن است. تکرار سبب به وجود آمدن شبکه ای از روابط بین عناصر متن می شود که انسجام متن را به دنبال خواهد داشت. (حلو، ۲۰۱۲: ۲۰، آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸، احمد فرج، ۲۰۰۷: ۱۰۸، قزوینی، ۱۳۹۲: ۱۷) تکرار دو نوع است:

**الف- تکرار جزئی:** گاهی ریشه بعضی از واژگان یکی است و واژه با اندکی تغییر در صیغه تکرار می شود؛ (عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۸۲، میرزایی حسینی، ۱۳۹۵: ۷۳) ب- تکرار معنایی: عبارت است از تکرار معنی با واژگان متفاوت و نه یکسان. این نوع از تکرار انواع مختلفی دارد که شامل، شمول معنایی، ترادف، تضمین است. (عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۸۰، میرزایی حسینی، ۱۳۹۵: ۷۴) که در ذیل به توضیح مواردی که در بحث باهم آیی به ما یاری می کند، می پردازیم:

۴-۲-۱: **شمول معنایی یا جزء و کل:** شمول معنایی مفهوم یک واژه دیگر را شامل شود. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۳۲) یا به عبارت دیگر اسمی که مبنای مشترکی را در بین چندین اسم حمل می کند، مثلاً کلمه انسان شامل مرد، زن، دختر، بچه و شخص می شود. (عبدالمجید، همان: ۸۳) هر یک از واژه هایی که مفهومشان را واژه شامل در بر می گیرد، واژه زیر شمول نامیده می شود. (میرزایی حسینی، همان، سیدی، ۱۳۹۱: ۱۴) مانند: «علم، هدی، کتاب» (۸/حج) که در واقع کتاب هم علم و هم هدایت را شامل می شود و هر کدام زیر شمول کتاب هستند.

۴-۲-۲: **هم معنایی یا ترادف:** الفاظی که یک معنا داشته باشند هم معنی به حساب می آیند درباره این تعریف باید به دو نکته اشاره کرد. نخست این که بحث درباره هم معنایی صرفاً محدود به واژه ها نمی شود، دوم این که ملاک هم معنایی، یکسانی معنا است. (Lyns, ibid: 91-92، باطنی، ۱۳۷۳: ۲۲۹) مانند: «الله، ربّ» (حج/۳۰ و ۴۰) (خدا، پروردگار) که به یک معنا هستند ولی «ربّ» را برای معبودی غیر خدا هم استفاده می کنند هم چنین «هم، اولئک» (رعد/۱۸) هر دو به معنای (آن ها) است و هم معنا می باشند.

۴-۳: **رابطه باهم آیی یا هم آوایی:** هم آوایی نوعی انسجام واژگانی است و منظور از آن با هم آمدن عناصر واژگانی معین در چارچوب موضوع یک متن است که به پیدایش انسجام بین اجزای آن متن منجر می شود. (فروزنده، بنی طالبی، ۱۳۹۳: ۱۱۷، مسبوق، ۱۳۹۵: ۱۶۱) مانند: «قوم ابراهیم» (ابراهیم/۴۳) که در واقع آمدن این دو کلمه در کنار هم منظور را مشخص می کند که هدف قوم حضرت ابراهیم (ع) است نه قومی دیگر.

۴-۴: **رابطه ترتیبی:** بسیاری از پدیده های جهان بیرون، ماهیتی ترتیبی دارند، به این معنا که برداشت انسان از آن ها به گونه ای است که به زمان وابسته هستند و به ترتیبی خاص نسبت به دیگر پدیده ها رخ می دهند. (پهلوان نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۵) مانند: «نوح، عاد، ثمود» (حج/۴۲) در واقع ترتیب آمدن این سه قوم را بیان می کند که ابتدا قوم نوح بعد از آن قوم عاد سپس قوم ثمود بوده است.

۴-۵: **رابطه علی:** در واژگان تأثیر این رابطه آشکار است در واقع یک واژه از دو واژه باهم آیند علتی دیگر محسوب می شود. رابطه میان بیماری های کشنده از جمله طاعون و وبا با مرگ نیز از همین نوع است. (پهلوان نژاد و سزاوار، همان: ۱۱۶) مانند: «یَجْتَرُونَ، بِالْعَذَابِ» (۶۴/مؤمنون) (نالہ سر دادن، به خاطر عذاب) این قسمت از آیه دلیل ناله سر دادن آن ها را، عذابی می داند که در حال دیدن آن هستند.

۴-۶: **رابطه مکانی:** رابطه بسیاری از واژه ها از نوع مکانی می باشد. رابطه مکانی زیر بخش هایی به شرح ذیل دارد:

۴-۶-۱: **رابطه بالاتری:** برای نشان دادن ارتباط جفت واژه هایی است که یکی از آن ها از لحاظ موقعیت مکانی بالاتر از واژه دیگر قرار می گیرد. مانند: «فَوْقَكُمْ، سَعِ طَرَائِقَ» (مؤمنون/۱۳) که این واژگان بیانگر بالا بودن آسمان هست و جایگاه مکانی آسمان را مشخص می کند.

۴-۶-۲: **رابطه درون:** نشان می دهد چیزی درون دیگری است، مثل ارتباط شکم و معده. این رابطه ظرف و مظروف هم خوانده می شود. مانند «نُطْفَةٌ، قَرَارٍ مَكِينٍ» (مؤمنون/۱۳) در واقع نطفه در جایگاه خود یعنی رحم قرار می گیرد و این قسمت از آیه، جایگاه مکانی نطفه را بیان می کند که در داخل رحم است.

- ۴-۶-۳: **رابطه محلّ خروج:** نشان دهنده محلّ خروج چیزی است. مانند «السَّمَاءُ، أَنْزَلَ مَاءً» (حجّ/۶۳) در واقع نزول آب و باران، از آسمان می باشد پس آسمان محلّ خروج می باشد.
- ۴-۶-۴: **رابطه کنار:** به نزدیکی مکانی دو مفهوم اشاره می کند، مثل رابطه ساحل و دریا. «طور سیناء» (مؤمنون/۲۰) در واقع این دو واژه دارای رابطه کنار می باشند.
- ۴-۶-۵: **رابطه محلّ کار:** در این رابطه یک واژه به عنوان مکانی معرفی می شود که به منظور کاری معینی به کار می رود، مثل «أُمَّةٌ مِّنْسُكًا» (حجّ/۶۷) در واقع «منسک» محلّ عبادت اقامت می باشد در واقع مانند مسجد که محلّ عبادت و تجمّع می باشد.
- ۴-۶-۶: **رابطه دور:** برای جفت هایی مثل انگشتر / انگشت، دستبند / دست به کار می رود. از این نوع باهم آبی در سوره های حجّ و مؤمنون یافت نشد. «الأنهار، ماء» (ابراهیم/۳۲) در واقع آب در داخل رودخانه در جریان است و رابطه آن از نوع رابطه مکانی دور می باشد.
- ۴-۷: **رابطه اسنادی:** روابط اسنادی توصیف کلمات هستند که در واقع می توان جزء بحث موصوف و صفت در باهم آبی دستوری هم به حساب آورد. (پهلوان نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۶، سیدی، ۱۳۹۱: ۱۶) مانند: «الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (۱۲/حجّ) (زیان آشکار) در واقع زیان، آشکار است و آشکار بودن صفتی است برای زیان که آن را توصیف می کند.
- ۴-۸: **رابطه موضوع:** به ارتباط دو واژه اشاره دارد؛ به گونه ای که یکی از آن ها چونان چیزی است که واژه دیگر با آن سروکار دارد، برای نمونه نجّار با چوب (پهلوان نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۶) از این نوع باهم آبی در سوره های حجّ و مؤمنون یافت نشد.
- ۴-۹: **رابطه خاص:** به مفاهیمی اشاره می کند که منحصرأ در رابطه با واژه خاصّ معنا می یابند و در حوزه ای خاصّ نمایان می شوند. (سیدی، همان: ۱۸) برای نمونه «نصاری، صوامع» (۱۷۰، حجّ/۴۰) کلیسا مخصوص مسیحیان است و درک این دو، به همدیگر وابسته می باشند. (شجاعی، ۱۳۷۵: ۵۵، پهلوان نژاد و سزاوار، همان: ۱۱۸)
- ۴-۱۰: **رابطه پیرو:** این رابطه که بیش تر در حوزه دین کارایی دارد، به ارتباط یک فرد و یک مکتب اشاره دارد. (پهلوان نژاد و سزاوار، همان: ۱۱۷) برای نمونه: مسلمان فردی است که پیرو دین حضرت ابراهیم (ع) است. «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ» (حجّ/۷۸)



۴-۱۱: **رابطه وسیله و ابزار:** در این نوع رابطه یکی از واژه ها یک وسیله می باشد که عموماً در مکانی خاص وجود دارد؛ مثل یخچال/ آشپزخانه یا ابزاری است که در کاری به کار می رود، مثل چکش/ نجاری (ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۳۸، ۶۲) براساس بررسی به عمل آمده در دو سوره حج، مؤمنون این رابطه وجود ندارد.

۴-۱۲: **رابطه عامل:** این رابطه برای جفت هایی به کار می رود که یکی از واژه ها به فردی اشاره دارد که عملی را انجام می دهد که واژه بعدی نباید نام شغل یا سمتی باشد، برای نمونه، رابطه زائر و زیارت (پهلوان نژاد و سزاوار، همان: ۱۱۷) این نوع رابطه در سوره های حج و مؤمنون یافت نشد.

۴-۱۳: **رابطه جنسی:** این رابطه، رابطه معنایی میان واژه هایی است که یکی به عنوان ماده سازنده دیگری تعریف می شود که برخی از جنس های متفاوت هستند، برای مثال صدلی از جنس چوب، آهن و جز این ها؛ اما بسیاری از چیزها مانند نان، تنها از جنس خمیر ساخته می شوند. (سیدی، همان: ۱۸) «الإنسان، سُلَالَةٌ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون/۱۲) در واقع طین، جنس انسان را بیان می کند.

۴-۱۴: **رابطه مبارزه:** این رابطه برای تبیین ارتباط جفت واژه هایی مانند کولر - گرما و دارو - بیماری به کار می رود. (پهلوان نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۸) از این نوع رابطه در سوره های حج و مؤمنون یافت نشد.

۴-۱۵: **رابطه نیاز:** رابطه بسیاری از مفاهیم باهمدیگر از نوع نیاز است. مانند خواب و خوراک و پوشاک برای انسان. (سیدی، همان: ۱۸، ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۱۲، پهلوان نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۹) «لَحْمًا، فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ» (مؤمنون/۱۴) در واقع استخوان برای دیده نشدن و پوشیده شدن نیاز به لحم (گوشت) دارد.

۴-۱۶: **رابطه نقشی:** رابطه نقشی رابطه ای است که در آن واژه پاسخ، کاری با واژه محرک انجام می دهد. (سیدی، همان: ۱۸) «فِتْنَةٌ، لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (حج/۵۳) در واقع فتنه، بیماری روحی را در قلب های بیمار بیش تر می کند.

۴-۱۷: **رابطه زمان:** برای جفت هایی به کار می رود که یکی از آن ها زمان انجام یا رخ دادن واژه دیگر باشد به گونه ای که توالی زمانی میان رویدادهای آن ها وجود داشته باشد. (سیدی،

همان: ۱۸، یار محمدی، ۱۳۸۳: ۵۹، میرزایی حسینی، ۱۳۹۵: ۸۲، فروزنده، بنی طالبی، ۱۳۹۳: ۱۳۰، مسبوق، ۱۳۹۵: ۱۶۶) که در سوره‌های حجّ و مؤمنون یافت نشد.

### ۵- بررسی انواع باهم آیی موجود در سوره حجّ

برای انجام این پژوهش از ترجمه استاد بهرامپور استفاده شده است. تمام آیات سوره حجّ بررسی و باهم آیی های سوره حجّ استخراج شده است. سپس روابط معنایی این باهم آیی ها مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج حاصل از این بررسی با توجه به توضیحاتی که در بخش های قبل ارائه گردید، به این قرار است (بی و با تخفیف یافته بی فاصله و با فاصله هستند):

#### جدول ۱: باهم آیی های سوره مبارکه حجّ

ردیف	شماره آیه	کلمات باهم آیند	معنا	نوع رابطه
۱	۲۲، ۹	عذاب الحریق	عذاب سوزان	رابطه اسنادی - بی (فاصله)
۲	۲	عذاب، شدید	عذاب، سخت	شمول معنایی " با (فاصله)
۳	۷	السّاعة، لاریب	قیامت، شکی نیست	باهم آیی - با
۴	۱	ذات حمل حملها	آبستنی بار خود را می نهد	جزءواژگی - بی
۵	۵	الأرض، هامدّة	زمین، خشکیده	باهم آیی - بی
۶	۴	عذاب السّعیر	عذاب آتش برافروخته	رابطه اسنادی - بی
۷	۶	يُحي المَوْتى	مرده را زنده می کند	تقابل مکمل - با
۸	۵	ماء، إهتَزَّتْ، رَبَّتْ	آب، جنبید، نموّ کرد	شمول معنایی - بی
۹	۷	يُحي، يَبْعَثُ	زنده می کند، زنده می کند	هم معنایی - با
۱۰	۵	النّاس، التُّراب	مردم، خاک	رابطه جنسی - با
۱۱	۸	علم، کتاب	علم، کتاب	شمول معنایی - با
۱۲	۵	نطفه، النّاس	نطفه، مردم	رابطه جنسی - با
۱۳	۲۶	مکان البیت	جایگاه کعبه	رابطه مکانی - بی
۱۴	۲۶	طائفین، بیت	طواف کنندگان، خانه	جزء واژگی - بی

شمول معنایی - بی	علم، هدایت، کتاب	علم، هدی، کتاب	۸	۱۵
شمول معنایی - بی	علم، هدایت، کتاب	علم، هدی، کتاب	۸	۱۶
رابطه جنسی - با	خاک، نطفه	تراب، نطفه	۵	۱۷
هم معنایی - بی	پستی، خواری	الدُّنْیا، خِزی	۹	۱۸
شمول معنایی - با	نطفه، خون بسته	نطفه، علقه	۵	۱۹
جزءواژگی - بی	نام خدا	إِسْمُ اللَّهِ	۲۸، ۴۰، ۳۴، ۳۶	۲۰
شمول معنایی - بی	روز قیامت، آتش سوزان	یوم القيامة، عذاب الحریق	۹	۲۱
شمول معنایی - با	خون بسته، گوشت جویده	علقه، مضغه	۵	۲۲
جزءواژگی - بی	حدود و مقررات الهی	حُرْمَاتِ اللَّهِ	۳۰	۲۳
شمول معنایی - بی	ایمان آوردن، عمل صالح انجام دادند	آمَنُوا، عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	۱۴، ۲۳، ۵۰، ۵۶	۲۴
رابطه جنسی - با	خون بسته، مردم	علقه، ناس	۵	۲۵
رابطه مکانی - با	مرده، قبرها	الموتی، قُبور	۷	۲۶
رابطه جنسی - با	گوشت جویده، مردم	مضغه، ناس	۵	۲۷
عضوواژگی - بی	آسمان ها، خورشید، ماه، ستارگان	سَمَوات، شمس، قَمَر، نُجُوم	۱۸	۲۸
جزءواژگی - با	خدا، حق	اللَّهِ، حَقِّ	۶	۲۹
جزءواژگی - با	داوری می کند، روز قیامت	يَفْصِلُ، يَوْمَ الْقِيَامَةِ	۱۷	۳۰
عضوواژگی - بی	زمین، کوه ها، درخت، جنبندگان	الأَرْض، جبال، شجر، دواب	۱۸	۳۱
باهم آبی - بی	یاد می کنند، خدا	يَذْكُرُوا، اللَّهُ	۲۸، ۳۴، ۳۶	۳۲
باهم آبی - با	خدا، زنده می کند	اللَّهِ، يُحْيِي	۶	۳۳
شمول معنایی - بی	جنبندگان، مردم	الدَّوَاب، النَّاس	۱۸	۳۴
عضو واژگی - بی	زلزله، قیامت	زلزلة، السَّاعة	۱	۳۵

۳۶	۲۳، ۱۴	الأُنْهَارُ، جَنَات	رودها، بهشت ها	باهم آبی - با
۳۷	۱۰	بِمَاقِدَّمَتِ، يَدَاكَ	به آن چه پیش فرستاد، دو دست تو	شمول معنایی - بی
۳۸	۲۳، ۱۴	تَحْتِهَا، جَنَات	زیر آن، بهشت ها	رابطه مکانی - بی
۳۹	۱۷	آمَنُوا، هَاد، صَابِئِينَ، نَصَارَى، مَجُوس	ایمان آوردند، یهودی، پیروان حضرت یحیی، مسیحیان، زرتشتیان	باهم آبی - بی
۴۰	۱۸	شَمْس، قَمَر، نَجُوم	خورشید، ماه، ستارگان	باهم آبی - بی
۴۱	۲۸	بِائْس، فَقِير	بینوا، فقیر	هم معنایی تقریبی - بی
۴۲	۴۰	صَوَاعِقُ، يَبِيعُ، صَلَوَاتُ، مَسَاجِدُ	دیرها، کلیساها، کنیسه ها، مسجدها	هم معنایی نسبی - بی
۴۳	۴	تَوَلَّآ، يُضِلُّ	دوست گرفت، گمراه می کند	تقابل مدرج - با
۴۴	۳۶، ۲۸	كُلُوا، اطْعَمُوا	بخورید، اطعام دهید	تقابل دوسویه - با
۴۵	۴۰، ۳۰	اللَّهِ، رَبِّ	خدا، پروردگار	هم معنایی مطلق - با
۴۶	۵۵	سَاعَةٌ، يَوْمٌ عَظِيمٌ	روز قیامت، روز بزرگ	هم معنایی - با
۴۷	۵۲	رَسُولٌ، نَبِيٌّ	پیامبر، پیامبر	هم معنایی مطلق - با
۴۸	۵	طِفْلًا، أَشَدُّكُمْ	طفل، جوانی	تقابل مدرج - با
۴۹	۴	يُضِلُّ، يَهْدِي	گمراه می کند، هدایت می کند	تقابل مکمل - با
۵۰	۶	يُحْيِي، مَوْتِي	زنده می کند، مردگان	تقابل مکمل - بی
۵۱	۵	أَشَدُّكُمْ، أَرْدَلُ الْعُمُرِ	رشد عقلی و جسمی، پست ترین مرحله عمر	تقابل مدرج - با
۵۲	۴۶	تَعْمَى، أَبْصَارُ	کور است، چشم ها	جزء واژگی - بی
۵۳	۱۱	خَيْرٌ، فِتْنَةٌ	خوبی، بدی	تقابل دوسویه - با
۵۴	۵	نُقِرُّ، نُخْرِجُ	قرار می دهیم، خارج می کنیم	تقابل مکمل - با
۵۵	۱۱	إِطْمَأَنَّ، انْقَلَبَ	خاطر جمع شد، رو برتافت	تقابل مدرج - با
۵۵	۵	هَامِدَةٌ، مَاءٌ	خشکیده، آب	تقابل مدرج - با
۵۶	۱۵، ۱۱	الدُّنْيَا، الآخِرَةُ	دنیا، آخرت	تقابل مکمل - بی
۵۷	۵	الأَرْضُ هَامِدَةٌ، أَنْبَتَتْ	زمین خشک، رویانید	تقابل مدرج - با

تقابل مکمل - با	ضرر می رساند، نفع می رساند	يَضُرُّ، يَنْفَعُ	۱۲	۵۸
تقابل مکمل - با	دنیا، روز قیامت	الدُّنْيَا، يَوْمَ الْقِيَامَةِ	۹	۵۹
تقابل مکمل - با	ضرر، نفع	ضَرَّ، نَفَعَ	۱۳	۶۰
تقابل مکمل - با	گمراه می کند، راه خدا	يُضِلُّ، سَبِيلَ اللَّهِ	۹	۶۱
تقابل مدرج - با	ایمان آوردند، شرک ورزیدند	آمَنُوا، أَشْرَكُوا	۱۷	۶۲
تقابل مکمل - با	آسمان ها، زمین	سماوات، الأرض	۶۴، ۱۸	۶۳
تقابل مکمل - با	خوبی، بدی	معروف، منکر	۴۱	۶۴
تقابل جهتی - با	خورشید، ماه	شَّمْس، قَمَر	۱۸	۶۵
تقابل مدرج - با	فرو ریخته، سقف ها	خَاوِيَةٌ، عُرُوش	۴۵	۶۶
تقابل مدرج - با	خوار و کوچک کردن، عزیز دارنده	يُهِنُّ، مُكْرِم	۱۸	۶۷
تقابل واژگانی - بی	کامل، شکل نیافته	مُخَلَّقَةٌ، غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ	۵	۶۸
رابطه جنسی - با	دستبندها، طلا	أَسَاوِرٌ، ذَهَب	۲۳	۶۹
رابطه جنسی - با	دستبندها، مروارید	أَسَاوِرٌ، لَوْلُؤُ	۲۳	۷۰
رابطه جنسی - با	لباس، آتش	ثِيَابٌ، نَار	۱۹	۷۱
رابطه جنسی - با	لباس، حریر	لباس، خَرِير	۲۳	۷۲
جزء واژگی - با	گوشت، خون	لُحُومٌ، دِمَاء	۳۷	۷۳
رابطه مکانی درونی - بی	نگاه می داریم در ارحام	نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ	۵	۷۴
رابطه علی - بی	نازل کردیم آب را، جنبید، نمو کرد، رویانید	أَنْزَلْنَا الْمَاءَ، إِهْتَزَّتْ، رَبَّتْ، أَنْبَتَتْ	۵	۷۵
رابطه علی - بی	پیچاننده پهلوی خود از سر غرور	ثَانِي عِطْفَه	۹	۷۶
رابطه مکانی کنار - بی	خانه ام، طواف کنندگان	بَيْتِي، طَائِفِينَ	۲۶	۷۷
رابطه مکانی کنار - با	جای قربانی کردن، کعبه	مَجْلَهًا، نَيْتِ الْعَتِيقِ	۳۳	۷۸
رابطه مکانی - بی	دیرها، کلیساها، کنیسه ها، یاد می شود در آن نام خدا	صَوَامِعُ، بَيْعِ، صَلَوَاتٍ، مَسَاجِدُ؛ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ	۴۰	۷۹

رابطهٔ علی - با	هلاک کردیم، ستمگر	أهلکنا، ظالمة	۴۵	۸۰
رابطهٔ اسنادی - بی	زلزلهٔ قیامت واقعه‌ای بزرگ است	زلزلة الساعة شیء عظیم	۱	۸۱
رابطهٔ اسنادی - بی	عذاب سوزان	عذاب الحریق	۹	۸۲
رابطهٔ اسنادی - بی	بسیار ظلم کننده به بندگان	ظالم للعبید	۱۰	۸۳
رابطهٔ اسنادی - بی	زیان آشکار	الخسران المبین	۱۲	۸۴
رابطهٔ اسنادی - بی	شیطان سرکش	شیطان فرید	۳	۸۵
رابطهٔ اسنادی - بی	عذاب سوزان	عذاب السعیر	۴	۸۶
رابطهٔ اسنادی - بی	گمراهی دور	الضلال البعید	۱۲	۸۷
تقابل واژگانی - با	علم، بدون علم	علم، غیر علم	۸	۸۸
رابطهٔ اسنادی - بی	زمانی معین	أجل مُسمی	۳۳، ۵	۸۹
رابطهٔ اسنادی - بی	نشانه‌های روشن	آیات ینات	۱۶	۹۰
رابطهٔ اسنادی - بی	نوع زیبا	زوج بهیج	۵	۹۱
رابطهٔ اسنادی - بی	قطعا خدا بر هر چیزی توانا است	إن الله علی کل شیء قدير	۱۷	۹۲
رابطهٔ اسنادی - بی	کتابی روشن	کتاب منیر	۸	۹۳
رابطهٔ نیاز - بی	پاک گردان، خانه	طهر، بیت	۲۶	۹۴
جزءواژگی - بی	قلب‌ها، می‌اندیشند	قلوب، یعقلون	۴۶	۹۵
باهم‌آیی - بی	ابراهیم، جایگاه کعبه	ابراهیم، مکان البیت	۲۶	۹۶
عضوواژگی - با	آسمان، پرنده، باد	السماء، طیر، ریح	۳۱	۹۷
رابطهٔ نیاز - بی	گوش‌ها، می‌شنوند	آذان، یسمعون	۴۶	۹۸
باهم‌آیی - بی	نماز گزاران	رکع السجود	۲۶	۹۹
شمول معنایی - با	سقف‌ها، قصر	عروش، قصر	۴۵	۱۰۰
رابطهٔ اسنادی - بی	زمانی معین	أجل مُسمی	۵، ۳۳	۱۰۱
رابطهٔ مکانی - با	گوش‌ها، چشم‌ها	آذان، أبصار	۴۶	۱۰۲
رابطهٔ تربیی - بی	به پاداشتن نماز، پرداختن زکات	أقاموا الصلاة، آتوا الزکاة	۴۱	۱۰۳

تقابل مدرج - بی	امر کردند، نهی نمودند	أَمَرُوا، نَهَوْا	۴۱	۱۰۴
رابطه ترتیبی - بی	نوح، عاد، ثمود	نوح، عاد، ثمود	۴۲	۱۰۵
رابطه اسنادی - بی	روزی کریمانه	رِزْقٌ كَرِيمٌ	۵۰	۱۰۶
رابطه مکانی - بی	باید طواف کنند، کعبه	لِيَطَّوَّفُوا، الْبَيْتِ الْعَتِيقِ	۲۹	۱۰۷
رابطه نقشی - بی	بلا، برای کسانی که در قلب هایشان مریضی و سنگدلی است	فِتْنَةً، لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةِ	۵۳	۱۰۸
شمول معنایی - با	عذاب، خوار می کند	عَذَابٌ يُهِنُ	۱۸	۱۰۹
رابطه مکانی بالاتری - بی	بالا، سرها	فوق، رؤوس	۱۹	۱۱۰
شمول معنایی - با	کافر شدند، آتش	كَفَرُوا، نار	۱۹	۱۱۱
رابطه جنسی - بی	گزرها، آهن	مَقَامِعَ، حديد	۲۱	۱۱۲
رابطه جنسی - با	دستبندها، طلا	أَسَاوِرَ، ذَهَبٍ	۲۳	۱۱۳
رابطه مکانی درونی - بی	شکم ها، پوست	بُطُونَ، جُلُود	۲۰	۱۱۴
تقابل مکمل - با	حق گرایان، مشرکان	حَقَّائِمًا، مشرکان	۳۱	۱۱۵
شمول معنایی - با	روزی، هزار سال	يَوْمًا، أَلْفَ سَنَةٍ	۴۷	۱۱۶
رابطه اسنادی - بی	راه ستوده	صِرَاطِ الْحَمِيدِ	۲۴	۱۱۷
رابطه جنسی - با	دستبندها، مروارید	أَسَاوِرَ، لؤلؤ	۲۳	۱۱۸
رابطه اسنادی - بی	عذاب دردناک	عَذَابِ الْيَمِيمِ	۲۵	۱۱۹
شمول معنایی - بی	به نماز ایستادگان، رکوع کنندگان، سجده کنندگان	قَائِمِينَ، رُكَّعًا، سُجُودًا	۲۶	۱۲۰
رابطه اسنادی - بی	خانه کهن	بَيْتِ الْعَتِيقِ	۳۳، ۲۸	۱۲۱
رابطه اسنادی - بی	عذاب سوزان	عَذَابِ الْحَرِيقِ	۲۲	۱۲۲
رابطه اسنادی - بی	راه ستوده	صِرَاطِ الْحَمِيدِ	۲۴	۱۲۳
رابطه اسنادی - بی	راه دور	فَجَّ عَمِيقٍ	۲۷	۱۲۴

۱۲۵	۲۸	أَيَّامٌ مَّغْلُومَاتٍ	روزهای مشخص	رابطه اسنادی - بی
۱۲۶	۳۰	قَوْلُ الرَّؤُورِ	سخن باطل	شمول معنایی - بی
۱۲۷	۳۴	مَنْسَكًا، أُمَّةً	عبادتگاه، اقامت	رابطه مکانی - با
۱۲۸	۳۱	طِيرٍ، سَمَاءَ	پرنده، آسمان	رابطه مکانی - با
۱۲۹	۴۲	قَوْمُ نُوحٍ	قوم نوح	باهم آبی - بی
۱۳۰	۴۳	قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ	قوم ابراهیم	باهم آبی - بی
۱۳۱	۴۳	قَوْمُ لُوطٍ	قوم لوط	باهم آبی - بی
۱۳۲	۴۴	أَصْحَابُ مَدْيَنَ	قوم شعیب	باهم آبی - بی
۱۳۳	۳۱	مَكَانٍ سَحِيْقٍ	نقطه ای دور	رابطه اسنادی - بی
۱۳۴	۳۴	إِلَهٍ وَاحِدٌ	خدای یکتا	رابطه اسنادی - بی
۱۳۵	۳۸	حَوَارٍ كَفُورٍ	بسیار خائن ناسپاس	رابطه اسنادی - بی
۱۳۶	۴۰	إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ	قطعاً خدا قوی عزتمند است	رابطه اسنادی - بی
۱۳۷	۴۵	قَصْرٍ مَشِيدٍ	قصرهای افراشته	رابطه اسنادی - بی
۱۴۰	۴۹	نَذِيرٌ مُّبِينٌ	هشداردهنده آشکار	رابطه اسنادی - بی
۱۴۱	۵۲	وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ	و خدا دانای حکیم است	رابطه اسنادی - بی
۱۴۲	۵۳	شِقَاقٍ بَعِيدٍ	عداوت دور	رابطه اسنادی - بی
۱۴۳	۵۴	صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	راه راست	رابطه اسنادی - بی
۱۴۴	۵۵	يَوْمٍ عَقِيمٍ	روز نازا	رابطه اسنادی - بی
۱۴۵	۴۶	قُلُوبٍ، صُدُورٍ	قلب ها، سینه ها	عضوواژگی - با
۱۴۶	۵۲	رَسُولٌ، نَبِيٌّ	رسول، پیامبر	هم معنایی تقریبی - با
۱۴۷	۵۰	مَغْفِرَةً، آمَنُوا، عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ	مغفرت، ایمان آورند، عمل صالح انجام دهند	رابطه علی - با
۱۴۸	۵۰	رِزْقٍ كَرِيمٍ، آمَنُوا، عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ	روزی کریمانه، ایمان آورند، عمل صالح انجام دهند	رابطه علی - با
۱۴۹	۷۸	مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ، الْمُسْلِمِينَ	آیین پدرتان ابراهیم، مسلمان	رابطه خاص - با
۱۵۰	۷۳	الطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ	پیگیر، خواسته شده	تقابل رابطه ای - بی



۱۵۱	۷۷	إِرْكَعُوا وَاسْجُدُوا	رکوع کنید و سجده کنید	تقابل مکمل - بی
۱۵۲	۶۶	يُمِيتُكُمْ، يُحْيِيكُمْ	می میراند، زنده می کند	تقابل مکمل - با
۱۵۳	۶۱	لَيْلٍ، نَهَارٍ	شب، روز	تقابل جهتی - با
۱۵۴	۶۲	الْحَقُّ، الْبَاطِلُ	حق، باطل	تقابل مکمل - با
۱۵۵	۷۶	أَيَّدِيهِمْ، خَلَفَهُمْ	پیش رویشان، پشت سرشان	تقابل مکمل - با
۱۵۶	۵۶	جَنَّاتِ النَّعِيمِ	بهشت های پر نعمت	رابطه اسنادی - بی
۱۵۷	۵۷	عَذَابٍ مُّهِينٍ	عذابی خفت بار	رابطه اسنادی - بی
۱۵۸	۵۸	رِزْقًا حَسَنًا	روزی نیکو	رابطه اسنادی - بی
۱۵۹	۵۹	إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ	قطعاً خدا دانای بردبار است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۰	۶۰	إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ	همانا خدا بخشنده آمرزنده است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۱	۷۵، ۶۱	أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ	قطعاً خدا شنوای بینا است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۲	۶۲	أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ	قطعاً خدا والا و بزرگ است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۳	۶۳	إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ	قطعاً خدا باریک بین و آگاه است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۴	۶۴	إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ	قطعاً خدا همان بی نیاز ستوده است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۵	۶۶	إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَفُورٌ	قطعاً انسان ناسپاس است	رابطه اسنادی - بی
۱۶۶	۵۸	اللَّهُ، خَيْرُ الرَّازِقِينَ	خدا، بهترین روزی دهنده	رابطه اسنادی - با
۱۶۷	۶۵	اللَّهُ، لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ	خدا، رئوف و مهربان است	رابطه اسنادی - با
۱۶۸	۵۷	كَذَّبُوا، كَفَرُوا	تکذیب کردند، کفرورزیدند	جزء واژگی - بی
۱۶۹	۷۵	رُسُلًا، الْمَلَائِكَةَ	پیامبران، فرشتگان	باهم‌آیی - بی
۱۷۰	۵۶	الْمَلِكُ، اللَّهُ	فرمانروایی، خدا	جزء واژگی - با
۱۷۱	۶۵	الْأَرْضِ، الْبَحْرِ	زمین، دریا	عضو واژگی - با
۱۷۲	۷۱	سُلْطَانًا، عِلْمٍ	حجت و دلیل، علم	شمول معنایی - با
۱۷۳	۷۵	رُسُلًا، النَّاسِ	پیامبران، مردم	جزء واژگی - با
۱۷۴	۶۷	أَعْبُدُوا، إِرْكَعُوا وَاسْجُدُوا	عبادت کنید، رکوع کنید و سجده کنید	شمول معنایی - با

۱۷۵	۶۳	ماءٌ، مُخَصَّرَةٌ	سرسبز و خرم، آب	رابطه علی - با
۱۷۶	۵۶	جَنَّتِ النَّعِيمِ، آمَنُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ	بهشت های پر نعمت، ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند	رابطه نقشی - با
۱۷۷	۵۷	عَذَابٌ مُّهِينٌ، الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا	عذابی خوارکننده، کسانی که کافر شدند و تکذیب کردند نشانه های ما را	رابطه نقشی - با
۱۷۸	۶۴	السَّمَاوَاتِ، الْأَرْضِ	آسمان ها، زمین	باهم آیی - با
۱۷۹	۷۸	الصَّلَاةِ، الزَّكَاةِ	نماز، زکات	باهم آیی - با
۱۸۰	۶۳	السَّمَاءِ، أَنْزَلَ مَاءً	آسمان، نازل کرد آب را	رابطه مکانی محل خروج - با
۱۸۱	۶۵	الْفُلْكِ، الْبَحْرِ	کشتی، دریا	رابطه مکانی کنار - با
۱۸۲	۷۲	مُنْكَرٌ، شَرٌّ	زشتی، زشتی	هم معنایی تقریبی - بی
۱۸۳	۶۵	رَوْوْفٌ، رَحِيمٌ	مهربان، مهربان	هم معنایی تقریبی - بی
۱۸۴	۴۰، ۱۷	آمَنُوا، مَسَاجِدَ	ایمان آوردند (مسلمانان)، مسجدها	رابطه خاص - با
۱۸۵	۴۰، ۱۷	هَادُوا، صَلَوَاتِ	یهودیان، معابد یهودیان	رابطه خاص - با
۱۸۶	۴۰، ۱۷	نَصَارَى، صَوَامِعَ	مسیحیان، عبادتگاه راهبان	رابطه خاص - با

## ۶- بررسی انواع باهم آیی موجود در سوره مؤمنون

برای انجام این پژوهش از قرآن با ترجمه استاد بهرامپور استفاده شده است. تمام آیات سوره مؤمنون بررسی شدند و باهم آیی های این سوره استخراج گردید. سپس روابط معنایی این باهم آیی ها مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج حاصل از این بررسی با توجه به توضیحاتی که در بخش های قبل ارائه گردید، به این قرار

است:

### جدول ۲: انواع باهم آیی های موجود در سوره مؤمنون

ردیف	شماره آیه	کلمات باهم آیند	معنا	نوع رابطه
۱	۳۵	تُرَابًا، عِظَامًا	خاک، استخوان	تقابل مکمل - با
۲	۱۴	النُّطْفَةِ، عَلَقَةً	نطفه، علقه	جزء واژگی - بی

۳	۳۲، ۳۸	رَسُولًا، رَجُلٌ	پیامبر، مرد	رابطه جنسی - با
۴	۱۲	سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ	عصاره ای از گل	رابطه جنسی - با
۵	۱۴	الْعَلَقَةَ، مُضْغَةً	خون بسته، چیزی شبیه گوشت جویده شده	جزء واژگی - بی
۶	۱۲، ۱۳	الْإِنْسَانَ، نُطْفَةً	انسان، نطفه	رابطه جنسی - با
۷	۱۴	الْإِنْسَانَ، الْعِظَامَ، لَحْمًا	انسان، استخوان، گوشت	عضو واژگی - با
۸	۸۳	نَا، نَحْنُ	ما، ما	هم‌معنایی مطلق - بی
۹	۲۳، ۳۲، ۹۱	اللَّهِ، إِلَه	خدا، معبود	هم‌معنایی تقریبی - با
۱۰	۲۴، ۲۵	بَشَرٌ، رَجُلٌ	انسان، مرد	شمول معنایی - با
۱۱	۱۹	جَنَّاتٍ، نَجِيلٍ	باغ‌ها، درختان خرما	عضو واژگی - با
۱۲	۱۱۷، ۱۱۶، ۹۱، ۹۳، ۲۶، ۲۳	رَبِّ، إِلَه، اللَّهُ	پروردگار، معبود، خدا	هم‌معنایی تقریبی - با
۱۳	۷۱	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	آسمان‌ها و زمین	تقابل مکمل - بی
۱۴	۳، ۲	خَاشِعُونَ، مُعْرِضُونَ	خاشعان، روی گردانان	تقابل مدرج - با
۱۵	۹۲	الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ	نهان و آشکار	تقابل مکمل - بی
۱۶	۳۷	نَمُوتُ وَ نَحْيَا	می‌میرانیم و زنده می‌کنیم	تقابل مکمل - بی
۱۷	۸۰	الْيَلِّ وَالنَّهَارِ	شب و روز	تقابل مکمل - بی
۱۸	۱۱۷	يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ	رستگار می‌شوند، کافران	تقابل مدرج - بی
۱۹	۸۸	يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ	پناه می‌دهد، نیاز به پناه ندارد	تقابل واژگانی - بی
۲۰	۵۸، ۵۹	يُؤْمِنُونَ، يُشْرِكُونَ	ایمان می‌آورند، شرک می‌ورزند	تقابل مدرج - با
۲۱	۴۵، ۴۶	مُوسَى، فِرْعَوْنَ	موسی، فرعون	تقابل ضمنی - با
۲۲	۱۴	النُّطْفَةَ، عَلَقَةً	نطفه، علقه	رابطه جنسی - بی

۲۳	۱۲	سُلَالِيَّةٍ، طِينٍ	عصاره، گل	رابطه جنسی - با
۲۴	۱۷	فَوْقَكُمْ، سَبْعَ طَرَائِقَ	بالای سرتان، هفت راه	رابطه مکانی بالاتری - بی
۲۵	۱۳	نُطْفَةً، قَرَارٍ مَكِينٍ	نطفه، جایگاه مشخص	رابطه مکانی درونی - با
۲۶	۱۴	الْعَلْفَةَ، مُضَغَةً	خون بسته، چیزی شبیه گوشت جویده شده	رابطه جنسی - بی
۲۷	۱۲	الْإِنْسَانَ، سُلَالِيَّةٍ مِنْ طِينٍ	انسان، عصاره ای از گل	رابطه جنسی - با
۲۸	۱۴	الْمُضَغَةَ، عِظَامًا	چیزی شبیه گوشت جویده شده، استخوان	رابطه جنسی - بی
۲۹	۱۲	الْإِنْسَانَ، طِينٍ	انسان، گل	رابطه جنسی - با
۳۰	۸۲	تُرَابًا وَ عِظَامًا	خاک و استخوان	رابطه جنسی - بی
۳۱	۱۳، ۱۲	الْإِنْسَانَ، نُطْفَةً	انسان، نطفه	رابطه جنسی - با
۳۲	۲۰	بِالدَّهْنِ، شَجَرَةً مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ	روغن زیتون، درختی از طور سینا	رابطه جنسی - با
۳۳	۲۰	صَيْغٍ، شَجَرَةً مِنْ سَيْنَاءَ	نان خورش، درختی از طور سینا	رابطه جنسی - با
۳۴	۳۵	بَشَرًا، تُرَابًا	انسان، خاک	رابطه جنسی - با
۳۵	۳۴	لِحَاسِرُونَ، أَطْعَمْتُمْ بَشَرًا	قطعا زیان کار هستید، اطاعت کردید بشر را	رابطه علی - با
۳۶	۶۴	يَجْتَرُونَ، بِالْعَذَابِ	ناله سر می دهند، به خاطر عذاب	رابطه علی - با
۳۷	۷۴	لَنَاكِبُونَ، لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ	از راه منحرف هستند، به آخرت ایمان ندارند	رابطه علی - با
۳۸	۲۰	شَجَرَةً، طُورِ سَيْنَاءَ	درخت، طور سینا	شمول معنایی - با
۳۹	۷۴، ۷۳	نَاكِبُونَ، مُسْتَقِيمٍ	منحرف، راست	تقابل مدرج - با

۴۰	۱۰۰	أَعْمَلُ، تَرَكْتُ	عمل می کنم، ترک کردم	تقابل مدرج - با
۴۱	۱۰۰	بَرَزَخٌ، يَوْمَ يُبْعَثُونَ	برزخ، روزی که برانگیخته می شوند (قیامت)	باهم آیی - با
۴۲	۱۰۲، ۱۰۳	تَقَلَّتْ، حَقَّتْ	سنگین است، سبک است	تقابل مدرج - با
۴۳	۱۰۲، ۱۰۳	الْمُفْلِحُونَ، خَسِرُوا	رستگاران، زیان کردند	تقابل مدرج - با
۴۴	۱۱۰	أَنْسُوا، ذَكَرْ	غافل کردند، یاد کردن	تقابل مدرج - با
۴۵	۱۸	السَّمَا، الْأَرْضِ	آسمان، زمین	تقابل مکمل - با
۴۶	۳۳	الْآخِرَةِ، الدُّنْيَا	آخرت، دنیا	تقابل مکمل - با
۴۷	۴۳	تَسْبِقُ، يَسْتَنْجِرُونَ	پیشی گرفتن، تأخیر انداختن	تقابل مدرج - با
۴۸	۱۹	جَنَاتٍ، أَعْنَابٍ	باغ ها، درختان انگور	عضو واژگی - با
۴۹	۱۹	جَنَاتٍ، فَوَاكِهَ، نَخِيلٍ، أَعْنَابٍ	میوه ها، درختان خرما، درختان انگور	عضو واژگی - با
۵۰	۲۸	أَنْتَ، كَ	تو، تو	هم معنایی مطلق - با
۵۱	۵۲	أَنَا، يَ	من، من	هم معنایی مطلق - با
۵۲	۶۱	أَوْلَئِكَ، هُمْ	آنان، آن ها	هم معنایی مطلق - با
۵۳	۶۶	كُمُ، تُمْ	شما، تان	هم معنایی مطلق - با
۵۴	۷۷	بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ	دری از عذاب سخت	جزء واژگی - بی
۵۵	۱۲، ۱۴	الْإِنْسَانَ، النَّطْفَةَ	انسان، نطفه	رابطه جنسی - با
۵۶	۱۲، ۱۴	الْإِنْسَانَ، عِلْقَةً	انسان، خون بسته	رابطه جنسی - با
۵۷	۱۲، ۱۴	الْإِنْسَانَ، مُضْغَةً	انسان، چیزی شبیه گوشت جویده شده	رابطه جنسی - با
۵۸	۱۲، ۱۴	الْإِنْسَانَ، عِظَامًا	انسان، استخوان	جزء واژگی - با
۵۹	۲۱	بُطُونِ الْأَنْعَامِ	شکم های چهارپایان	جزء واژگی - با
۶۰	۱۰۰، ۱۰۱	تُفَخُّ فِي الصُّورِ، يَوْمَ يُبْعَثُونَ	دمیده شد در صور، روزی که برانگیخته می شوند	جزء واژگی - با
۶۱	۱۰۳، ۱۰۴	النَّارِ، جَهَنَّمَ	آتش، جهنم	شمول معنایی - با
۶۲	۹۷	هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ	وسوسه های شیطان ها	جزء واژگی - بی

۶۳	۱۴	اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ	خدا بهترین آفرینندگان است	رابطه اسنادی - بی
۶۴	۲۹	أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ	تو بهترین فرود آورندگان	رابطه اسنادی - بی
۶۵	۵۱	إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ	قطعاً من به آن چه انجام می دهید دانایم	رابطه اسنادی - بی
۶۶	۵۲	أَقْتَكُمُ أُمَّةً وَاحِدَةً	امت شما امت واحدی است	رابطه اسنادی - بی
۶۷	۷۲	وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ	و او بهترین روزی دهندگان است	رابطه اسنادی - بی
۶۸	۸۶	رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ	پروردگار عرش بزرگ	رابطه اسنادی - بی
۶۹	۱۱۸، ۱۰۹	وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِحِينَ	و تو بهترین رحم کنندگانی	رابطه اسنادی - بی
۷۰	۱۱۶	اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ	خداوند فرمانروای حق است	رابطه اسنادی - بی
۷۱	۱۱۶	لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ	خدایی جز او نیست پروردگار عرش کریم	رابطه اسنادی - بی
۷۲	۱۸	الْأَرْضِ، السَّمَاءِ، مَاءٍ	زمین، آسمان، آب	رابطه مکانی - با
۷۳	۴۵	مُوسَى، هَارُونَ	موسی، هارون	باهم آیی - با
۷۴	۴۵	آيَاتٍ، سُلْطَانٍ مُّبِينٍ	نشانه ها، برهان روشن	هم معنایی تقریبی - با
۷۵	۴۹	مُوسَى، كِتَابٍ	موسی، کتاب	باهم آیی - با
۷۶	۱۴	لَحْمًا، فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ	گوشت، استخوان را پوشانیدیم	رابطه نیاز - بی
۷۷	۴	فَاعْلَوْنَ، لِلزَّكَاةِ	انجام دهندگان، برای زکات	رابطه نقشی - بی
۷۸	۱۹	جَنَابٍ، فَوَاكِهِ	بهشت ها، میوه ها	شمول معنایی - با
۷۹	۱۰۶	شِقْوَتٍ، ضَالِّينَ	بدبختی، گمراهی	جزءواژگی - با
۸۰	۲۳	نُوحًا، قَوْمِهِ	نوح، قومش	جزءواژگی - با
۸۱	۱۱۸، ۱۰۹	إِغْفِرْ، إِرْحَمْ	بیمارز، رحم کن	هم معنایی تقریبی - با
۸۲	۱۱۱	الْفَازِزُونَ، صَبَرُوا	رستگاران، صبر کردند	جزءواژگی - با
۸۳	۲۴	ءَابَائِنَا الْأُولَىٰ، بَشَرٌ	نیاکان، انسان	شمول معنایی - با

۸۴	۱۱۳	يَوْمًا، بَعْضَ يَوْمٍ	روزی، قسمتی از روزی	شمول معنایی - با
۸۵	۲۷	كُلٌّ، زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ	همه، یک جفت	شمول معنایی - با
۸۶	۸	عَهْدِهِمْ، رَاعُونَ	عهدشان، رعایت کنندگان	باهم آیی - بی
۸۷	۱۸	السَّمَاءِ، مَاءٍ	آسمان، آب	رابطه مکانی - بی
۸۸	۷۱	السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ	آسمان ها و زمین	باهم آیی - بی
۸۹	۷۸	السَّمْعِ وَ الْأَبْصَارِ وَ الْأَفْئِدَةِ	گوش، چشم ها، قلب	رابطه مکانی بالاتری - بی
۹۰	۸۰	الْيَلِّ وَ النَّهَارِ	شب و روز	باهم آیی - بی

### ۷- تحلیل و بررسی

گفته شد باهم آیی یکی از ویژگی های هر زبان است که به ویژه در شکل دهی نظام واژگانی و نحوی زبان نقشی مهم را ایفا می کند. همان گونه که مشاهده شد، زبان قرآن نیز به خوبی از این پدیده برای بیان مفاهیم مختلف استفاده کرده است. در جدول ۱ تعداد ۱۸۶ و در جدول ۲ تعداد ۹۰ گزینه وجود دارد. کلمات باهم آیند بسامد وقوع نسبتاً خوبی با هم دارند. برای اثبات این مقوله تعدادی از کلمات باهم آیند استخراج شده از سوره های حج و مؤمنون به طور تصادفی انتخاب شدند سپس در کل قرآن شمارش شدند نتایج آن را در جدول شماره ۳ مشاهده می کنید:

#### جدول ۳: شمارش بسامدی تعدادی از کلمات هم آیند سوره های حج و مؤمنون در کل قرآن

کلمات باهم آیند	سموات و الارض: آسمان و زمین	اللیل والنهار: شب و روز	الْحَقُّ وَ الْبَاطِلُ: حق و باطل	الصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ: نماز و زکات	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	ماء و السَّمَاء: آب و آسمان	حَيَاةٌ الدُّنْيَا: زندگی دنیا	شَرٌّ وَ خَيْرٌ: بدی و نیکی	تعداد
	۱۸۱	۵۱	۱۳	۲۶	۵۳	۲۵	۶۱	۱۰	

همان گونه که مشاهده می شود، شمارش تعداد وقوع کلمات باهم آیند منتخب، نشان دهنده بسامد وقوع بالای این کلمات است. این نتیجه صحه بر درستی استخراج این کلمات است. البته از میان ۲۰ رابطه معنایی بالقوه موجود تنها ۱۴ رابطه در کلمات باهم آیند سوره حج در جدول ۱ و در سوره مؤمنون تنها ۱۲ رابطه که نتایج آن در جدول ۲ مشاهده می شود در واقع رابطه ترتیبی و خاصه که در سوره حج می باشد در سوره مؤمنون یافت نشد.

**جدول ۴: تعداد روابط معنایی کلمات هم‌آیند سوره حجّ**

نوع رابطه	شمول معنایی	جزء‌واژگی	تقابل معنایی	عضو واژگی	هم معنایی	رابطه جنسی	رابطه مکانی
تعداد	۱۹	۱۴	۳۳	۵	۱۰	۱۲	۱۵
نوع رابطه	رابطه علیّ	رابطه اسنادی	رابطه خاصّ	رابطه نیاز	باهم‌آیی	رابطه نقشی	رابطه ترتیبی
تعداد	۶	۴۵	۴	۲	۱۵	۳	۲

**جدول ۵: تعداد روابط معنایی کلمات هم‌آیند سوره مؤمنون**

نوع رابطه	شمول معنایی	جزء‌واژگی	عضو واژگی	هم معنایی	تقابل	رابطه جنسی	رابطه مکانی
تعداد	۷	۱۰	۴	۹	۱۸	۱۷	۵
نوع رابطه	رابطه علیّ	رابطه خاصّ	رابطه اسنادی	باهم‌آیی	رابطه نیاز	رابطه نقشی	رابطه ترتیبی
تعداد	۳	-	۹	۶	۱	۱	-

همان‌گونه که مشاهده شد، در سوره حجّ ۱۸۶ و در سوره مؤمنون ۹۰ رابطه باهم‌آیی استفاده شده است. در این میان در سوره حجّ، رابطه اسنادی و مؤمنون، تقابل معنایی بالاترین تعداد وقوع را به خود اختصاص داده است که تقابل معنایی خود به هفت قسمت تقسیم می‌شود که بیش‌ترین نوع تقابل، تقابل معنایی مدرّج و بعد از آن به ترتیب؛ تقابل مکمل، ضمنی و واژگانی است و از سه نوع تقابل جهتی، دوسویه، رابطه ای در سوره مؤمنون یافت نشد و در واقع تقابل معنایی در سوره حجّ از میان هفت مورد بیش‌ترین تقابل معنایی از نوع مکمل و بعد از آن به ترتیب مدرّج، دوسویه، جهتی، واژگانی و رابطه ای است. و از نوع تقابل جهتی و ضمنی در سوره حجّ یافت نشد. از نظر میزان فاصله بین دو جزء باهم‌آیند، مشاهده شد که بیش‌تر صورت‌ها در سوره حجّ ۱۰۰ باهم‌آیند به صورت بی‌فاصله و ۸۶ مورد بافاصله است و در سوره مؤمنون ۳۱ باهم‌آیند به صورت بی‌فاصله و ۵۹ باهم‌آیند به صورت بافاصله است که در واقع در سوره حجّ باهم‌آیی بی‌فاصله و در سوره مؤمنون باهم‌آیی بافاصله بیش‌ترین بسامد را دارد. که نتایج آن در جدول ۶، ۷ قابل مشاهده است:



جدول ۶: تعداد باهم آیی های فاصله دار و بدون فاصله سوره حج

تعداد	باهم آیی بدون فاصله	باهم آیی بافاصله
	۱۰۰	۸۶

جدول ۷: تعداد باهم آیی های فاصله دار و بدون فاصله سوره مؤمنون

تعداد	باهم آیی بدون فاصله	باهم آیی بافاصله
	۳۱	۵۹

با بررسی های انجام شده در این دو سوره در واقع این نکته ثابت می شود که یکی از مهم ترین ابزار انسجام متن در سطح واژگانی، پدیده باهم آیی است. مسلماً با بررسی کل قرآن نتایج را می توان با قطعیتی بیش تر بیان نمود.



## نتیجه گیری

باهم آیی مجموعه بافت هایی است که هر واژه در آن ها به کار می رود. باهم آیی از مباحث بنیادین زبان شناسی است که بیانگر وجود تناسب و رابطه معنایی میان واژگان است و با واژه شناسی و معناشناسی ارتباط ناگسستگی دارد. در این صورت، به دلیل کاربرد زیاد برخی از جفت واژه ها با یکدیگر، وقتی یکی از آن دو واژه در بافت زبانی مشاهده می شود، انتظار می رود که واژه دیگر نیز در همان بافت و در کنار آن واژه ذکر شود و یا دست کم واژه دیگر ناخودآگاه در ذهن تداعی شود.

با انجام این پژوهش کلمات باهم آیند بسامد وقوع نسبتاً خوبی با هم دارند. در سوره حج ۱۸۶ و در سوره مؤمنون ۹۰ رابطه باهم آیی استفاده شده است که در مجموع ۲۷۶ رابطه باهم آیی می باشد. در این میان در سوره حج، رابطه اسنادی و مؤمنون، تقابل معنایی بالاترین تعداد وقوع را به خود اختصاص داده است که تقابل معنایی خود به هفت قسمت تقسیم می شود که بیش ترین نوع تقابل، تقابل معنایی مدرج و بعد از آن به ترتیب؛ تقابل مکمل، ضمنی و واژگانی است و از سه نوع تقابل جهتی، دوسویه، رابطه ای در سوره مؤمنون یافت نشد و در واقع تقابل معنایی در سوره حج از میان هفت مورد بیش ترین تقابل معنایی از نوع مکمل و بعد از آن به ترتیب مدرج، دوسویه، واژگانی و رابطه ای است. و از نوع تقابل جهتی و ضمنی در سوره حج یافت نشد. از نظر میزان فاصله بین دو جزء باهم آیند، مشاهده شد که بیش تر صورت ها در سوره حج ۱۰۰ باهم آیند به صورت بی فاصله و ۸۶ مورد بافاصله است و در سوره مؤمنون ۳۱ باهم آیند به صورت بی فاصله و ۵۹ باهم آیند به صورت بافاصله است که در واقع در سوره حج باهم آیی بی فاصله و در سوره مؤمنون باهم آیی بافاصله فزون ترین بسامد را دارد کلمات باهم آیند استخراج شده و این نکته حایز اهمیت است که در سوره حج، باهم آیی بی فاصله تقریباً سه برابر باهم آیی بی فاصله در سوره مؤمنون می باشد و باهم آیی بافاصله در

سوره حجّ بیش تر از باهم آیی بافاصله سوره مؤمنون است. شایان ذکر است با بررسی به عمل آمده برخی از واژگان این دو سوره به صورت متناوب در کلّ قرآن تکرار شده است مانند: صَلَاةٌ وَالزَّكَاةَ، مَاءٍ وَالسَّمَاءِ، حَيَاةُ الدُّنْيَا، الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ. با اهمّیت است که واژه «بی فاصله» و «با فاصله» به ترتیب به صورت تخفیف یافته «بی» و «با» نگاشته می شود.



## منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اخلاقی، الهام، سید حسین سیدی (۱۳۹۱)، «تحلیل باهم آیی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی: سوره بقره)»، *مطالعات قرآنی و روایی*، پاییز و زمستان، ش ۲، صص ۹-۲۹.
- ۳- افراشی، آریتا (۱۳۷۸)، «نگاهی به مسأله باهم آیی واژگان»، *مجله زبان و ادب*، بهار و تابستان، شماره‌های ۷ و ۸، صص ۷۳-۸۱.
- ۴- ایزانلو، علی (۱۳۸۴)، *توصیف و بررسی شبکه معنایی واژگان فارسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۵- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: نشر نو.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۳)، *زبان و تفکر*، مجموعه مقالات زبان‌شناسی، چاپ پنجم، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۷- بهرامپور، ابوالفضل (۱۳۸۷)، *ترجمه کامل قرآن کریم*، تهران: سازمان دارالقرآن الکریم.
- ۸- پناهی، ثریا (۱۳۸۱)، «فرایند باهم آیی و ترکیبات باهم آیند در زبان فارسی»، *زبان و ادبیات نامه فرهنگستان*، بهار، ش ۱۹، صص ۱۹۹-۲۱۱.
- ۹- پهلوان نژاد، محمدرضا، علیرضا سزاوار (۱۳۸۷)، «معناشناسی قرآن (مطالعه موردی: سوره جمعه)»، *قیاسات*، زمستان، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۱۰۳-۱۰۷.
- ۱۰- ذوالفقاری، اختر (۱۳۹۵)، *بررسی عناصر دستوری و لغوی ایجاد انسجام متن در سوره قیامت بر اساس دیدگاه نقش‌گرایی هلیدی*، مجموعه مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم، صص ۱-۲۰.
- ۱۱- رسام، میر محمد حسین (۱۳۷۵)، *طرح فرهنگی بافتی افعال فارسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- ۱۲- سیدی، سید حسین (۱۳۹۲)، «درآمدی بر زیبایی‌شناسی تکرار حروف در نظم اهنگ درونی آیات قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، بهار، سال ۱۹، شماره ۱، پیاپی، صص ۳۹-۵۱.

- ۱۳- سیّدی، سیّد حسین، الهام اخلاقی (۱۳۹۱)، «تحلیل رابطه باهم آبی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی: سوره بقره)»، *نیمسال نامه مطالعات قرآنی و روایی*، پاییز و زمستان، سال اول، شماره ۲، صص ۹-۲۹.
- ۱۴- شریفی، شهلا، مجتبی نامور (۱۳۹۲)، «تقسیم بندی جدید انواع باهم آبی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی فرامتنی در شکل گیری انواع باهم آبی»، *مجله زبان شناسی و گویش های خراسان*، ش ۷.
- ۱۵- شهریار، زهرا (۱۳۷۸)، *محدودیت باهم آبی واژگان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- ۱۶- صفوی، کورش (۱۳۸۴)، *فرهنگ توصیفی معنی شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۱۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، *در آمده بر معناشناسی*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۱۸- عبدالمجید، خلیل (۱۹۹۸)، *البدیع بین البلاغة العربیة و اللسانیات النصیة*، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ۱۹- فروزنده، مسعود، امین بنی طالبی (۱۳۹۳)، «ابزارهای آفریننده انسجام متنی و پیوستار بلاغی در ویس و رامین»، *مجله شعر پژوهی دانشگاه شیراز*، س ۶، ش ۲.
- ۲۰- محمد، ع. (۲۰۰۷)، *علم لغة النص*، الطبعة الاولى، القاهرة: مكتبة الآداب.
- ۲۱- مسبوق، سیّد مهدی، شهرام دلشاد (۱۳۹۵)، «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در مقامة مضیریة بدیع الزمان همدانی»، *جستارهای زبانی*، ش ۱ (پیاپی ۲۹).
- ۲۲- میرزایی حسینی، سیّد محمود، محمد فرهادی (۱۳۹۵)، «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های زبان شناختی قرآن*، سال پنجم، شماره اول (پیاپی)، بهار و تابستان.
- ۲۳- یارمحمدی، لطف اله (۱۳۸۳)، *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.
- 24- Carroll. David. W. (2008), psychology&language. thomsonwadsworth.
- 25- Cruse. G. (1986), *Lexical Semantics*, Cambridge: Cambridge university press.
- 26- Firth , j. r. Modesof Meaning, in J.R. Firth (1967), *Paper in Linguistics*, London: oxforduniversity press.

- 27- Fromkin, v. & rodman, r. & Hyams (2003), N. An introduction to language (7 thed), Thompson heilne.
- 28- Haliday, M. A. K. & Hasan, R. (1978), cohesion in English London: longman.
- 29- Lyns, I., Lingusitic Semantics an Introduction (2013), Cambridge University Press.
- 30- Sinclair, J. M. (1995), English Collocatians, London: Harper Collins Publisher.
- 31- Yule, G. (2006), The study of Language, (3 thed), Cambridge: Cambridge University Press.

